



شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریوی مطلوب برای آینده

مسعود اخوان کاظمی* / ایوب نیکونهاد**

(۱۱-۴۰)

چکیده

روند پژوهی توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که به‌رغم همه تلاش‌ها و فرازونشیب‌ها در جهت دستیابی به توسعه سیاسی در ادوار مختلف، تا قبل از انقلاب اسلامی شاخصه‌های توسعه سیاسی در ایران چندان رشد نکرده و گسترش نیافته است. در عوض، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاخصه‌های کمی و کیفی توسعه سیاسی از رشد چشمگیری برخوردار شده‌اند؛ اما چگونه؟ بنابراین، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که عمده‌ترین پیش‌ران‌هایی که سبب‌ساز تغییر در جهت رشد شاخص‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی شده و زمینه را برای دستیابی به توسعه سیاسی فراهم کرده‌اند، کدام‌اند؟ هدف پژوهش، شناسایی و تبیین پیش‌ران‌های اثرگذار بر توسعه سیاسی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی براساس پنل خبرگانی است. روش پژوهش بدین‌گونه است که تعدادی از استادان و برجستگان دانشگاهی به‌عنوان

* . دانشیار علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) - mak392@yahoo.com

** . دانشجوی دوره دکتری آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران - anikunahad@gmail.com

جامعه آماری پژوهش انتخاب شده و به پرسش‌نامه خبرگانی تنظیم شده پاسخ داده و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، یافته‌ها تحلیل و پیش‌ران‌ها اولویت‌گذاری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تقویت پیش‌ران‌هایی که موجب ارتقای توسعه سیاسی در مقطع مدنظر شده‌اند، می‌تواند به روند دستیابی به توسعه سیاسی در آینده سرعت دهند و زمینه تحقق آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی (آزادی، عدالت و استقلال) را نیز فراهم سازند.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، توسعه سیاسی، پیش‌ران‌های توسعه، قانون اساسی و نخبگان

مقدمه

روند پژوهی^۱ تاریخی تحولات سیاسی ایران معاصر، نمایانگر آن است که با آنکه مفاهیم، آموزه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی از قبل از مشروطیت تاکنون مورد توجه نخبگان و روشن‌فکران جامعه بوده، کمتر دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران را می‌توان یافت که همانند دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاخص‌های کمی و کیفی توسعه سیاسی مسیر رشد و نهادینگی را طی کرده باشند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گام‌هایی اساسی به سمت توسعه سیاسی برداشته شده است و این مسیر تعالی همچنان ادامه دارد؛ ولی تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی هست. برای طی فرایند توسعه سیاسی در بازه زمانی مناسب و کسب نتایج مطلوب حاصل از آن، لازم است که عمده پیش‌ران‌هایی^۲ که این پدیده را در ایران بعد از انقلاب اسلامی به جلو رانده‌اند و در آینده نیز بر کیفیت دستیابی به آن اثرگذار خواهند بود، شناسایی و تقویت شوند. بدین ترتیب مسئله اساسی این پژوهش این است که پیش‌ران‌های توسعه سیاسی را در ایران پس از انقلاب شناسایی کند و در عین حال نقش و تأثیر آنها را بر پیشبرد توسعه سیاسی در جهت دستیابی به وضعیت مطلوب تحلیل کند.

1. Trend Study.

2. Driver.

بررسی‌ها نشان می‌دهند عمده آثار منتشرشده در زمینه توسعه سیاسی در ایران، ناظر به مسائل تاریخی توسعه‌نیافتگی بوده است و به‌ندرت پژوهشی را می‌توان سراغ گرفت که بر بسترها و پیش‌ران‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی، به‌ویژه در برهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمرکز کرده باشد. از جمله آثار حائز اهمیت است که با تکیه بر توسعه‌نیافتگی به نگارش درآمده‌اند، می‌توان به «موانع توسعه سیاسی در ایران» (بشیریه، ۱۳۸۰)، «موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران» (وطن‌خواه، ۱۳۸۰) و «دییاجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی» (بشیریه، ۱۳۸۲) اشاره کرد. عمده مقالات نگارش‌شده در این خصوص، یا با رویکردی تاریخی به دنبال شناسایی موانع توسعه برآمده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به مقاله «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸۲-۱۳۰۴» (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸) اشاره کرد یا به بررسی علل تک‌بعدی توسعه پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در دوره پس از انقلاب اسلامی» (عراقی، ۱۳۸۶)، که سعی در بررسی برخی عوامل اثرگذار بر توسعه سیاسی داشته‌اند.

درواقع، تفاوت پژوهش حاضر با دیگر آثار گسترده‌ای که در زمینه مباحث توسعه‌نیافتگی در ایران به رشته تحریر درآمده‌اند، در این است که اولاً برخلاف پژوهش‌های دیگر، که بیشتر به تحولات تاریخی توسعه‌نیافتگی اختصاص یافته‌اند، تمرکز پژوهش فعلی بر توسعه سیاسی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است؛ ثانیاً می‌توان ادعا کرد که تنها پژوهشی است که به‌صورتی منسجم سعی در کشف، شناسایی و تبیین پیش‌ران‌های توسعه سیاسی در مقطع مدنظر دارد.

چهارچوب مفهومی

در اینجا لازم است در چهارچوب مفهومی، چند واژه توسعه سیاسی، پیش‌ران و پیش‌ران سیاسی را توضیح دهیم:

توسعه سیاسی

باآنکه مفهوم توسعه سیاسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد وارد ادبیات سیاست‌های تطبیقی شده، این مفهوم به‌عنوان مدلی تکاملی در سپهر سیاست‌ورزی نتوانسته است به معنایی ثابت نزد اندیشمندان دست یابد و سیر تکاملی نظریات آن همچنان تداوم دارد. بااین‌حال، نظریه‌پردازان مسائل توسعه دیدگاه‌های مختلفی درباره توسعه سیاسی مطرح کرده‌اند. پای^۱ و وربا^۲ پس از بحث‌های گسترده درباره توسعه سیاسی، یازده تعریف را به‌عنوان تعاریف توسعه سیاسی مطرح و نقد می‌کنند و درنهایت تعریف خود را از توسعه سیاسی به‌عنوان پدیده‌ای سه‌وجهی با ارائه مشخصات و شاخص‌هایی همچون «برابری و مشارکت سیاسی»، «ظرفیت سیستم سیاسی برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد» و «تمایز کردن و تخصصی نمودن ساختارهای اداری و کارکردهای آنها» عرضه می‌کنند (پای و وربا، ۱۹۶۵: ۱۳).

ساموئل هانتینگتون^۳ توسعه سیاسی را معادل نوسازی^۴ می‌داند و بر این باور است که میزان صنعتی شدن جوامع، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی از شاخص‌های توسعه سیاسی به‌شمار می‌روند. از نظر وی، هر اندازه نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۸۴). مارتین لیپست^۵ ثبات نظام سیاسی را شاخص توسعه سیاسی تعریف می‌کند و نشان می‌دهد که کشورهایی که شاخص‌های توسعه آنها در سطح بالاتری قرار

1. Pye.

2. Verba.

3. Samuel Huntington.

4. Modernization.

5. Martin Lipset.

دارد، اغلب کشورهایی هستند که نظام سیاسی آنها از ثبات بیشتری برخوردار است. به‌عکس، کشورهایی که شاخص‌های توسعه آنها در سطح پایین‌تری قرار دارد، بیشتر نظام‌های سیاسی بی‌ثبات دارند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

از نظر شیلز،^۱ تمام دولت‌های در حال پیشرفت هدف مشترکی دارند و آن متجدد شدن، دموکراسی و مساوات‌طلبی است و مجموعه این اهداف، دولت‌های جدید را به سوی دموکراسی غربی سوق می‌دهند. از این نظر، هر نظام سیاسی به سوی برقراری رژیم حرکت می‌کند که ویژگی آن تفوق قوانین مدنی، عملکرد نهادهای نمایندگی و اعمال بدون محدودیت آزادی‌های سیاسی است (بدیع، ۱۳۸۰: ۶۰-۶۳). کارل دویچ^۲ «میزان تحرک اجتماعی» را معیار عمده توسعه سیاسی در نظر می‌گیرد و تحرک اجتماعی را به وسیله افزایش درآمد، تمایل بیشتر به مصرف کالاهای فرهنگی، گسترش شهرنشینی، مشارکت بالا در انتخابات و تبعیت از قوانین مقدور می‌داند (قوام، ۱۳۹۰: ۸۶).

پیش‌ران و پیش‌ران‌شناسی

تعاریف متعددی از پیش‌ران در ادبیات آینده‌پژوهی^۳ ارائه شده است. گوردون^۴ نیروهای تغییری را که در پس‌روند وجود دارند و معمولاً عوامل پیش‌برنده تغییر به‌شمار می‌روند، پیش‌ران تعریف کرده است (گوردون، ۱۳۹۲: ۱۸۲). فرهنگ عبارات آینده‌پژوهی، پیش‌ران را اصطلاحی کلی می‌داند که برای اشاره به هر «نیروی تغییرساز»، که باعث تحول آینده، تأثیر بر آن و شکل دادن به آن می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تغییر می‌تواند به وسیله اشخاص، نهادها یا حتی شرایط ایجاد شود (فرهنگ عبارات آینده‌پژوهی، ۲۰۱۲). همچنین

1. Shils.

2. Karl Deutsch.

3. Future Study.

4. Gordon.

5. www.audienceialogue.net/gloss-fut.html.

نیروهای پیش‌ران، عوامل، فرایندها، نیروها و عدم قطعیت‌هایی هستند که تغییرات را در محیط‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فناورانه و ... ایجاد می‌کنند و به پیش می‌رانند. تأثیراتی که این نیروهای پیش‌ران ایجاد می‌کنند، در بافت‌های گوناگون و برای ذی‌نفعان متعدد، معنا و مفهوم متفاوتی پیدا می‌کنند و حاوی فرصت‌ها و تهدیدهای جدی هستند (دبیرخانه آینده‌نگاری ملی، ۱۳۹۵: ۹). برای تلخیص و نمایش انواع پیش‌ران‌هایی که باعث ایجاد تغییر می‌شوند، از اصطلاح سرواژه^۱ استفاده می‌کنند. جامع‌ترین سرواژه برای تلخیص و نمایش انواع پیش‌ران‌ها را سرواژه PINCHASTEM می‌دانند که مفاهیم زیر را دربردارد:

سیاسی Political؛

اطلاعاتی (ارتباطی و رسانه‌ای) Informational (Communicational, Media)؛

طبیعی (کلان‌محیطی) Natural (Macro-Environmental)؛

تضاد / تعارض Conflict؛

سلامت (بیولوژیک، خردمحیطی) Health (Biological, Micro Environmental)؛

هنری (فرهنگی) Artistic (Cultural)؛

اجتماعی Social؛

تکنولوژیک (مکانیکی، الکترونیکی) Technological (Mechanical, Electronical)؛

اقتصادی Economic؛

اخلاقی (وجدانی، مذهبی) Moral (Ethical, Religious).

در مرحله نخست پژوهش، در قالب پرسش کیفی، از خبرگان خواسته شد پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در مقطع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را از منظر خود بیان کنند. سپس بر مبنای مدل پیش‌ران‌شناسی بالا و براساس روندها و رویدادهای جامعه ایرانی

1. Acronym.

پس از انقلاب اسلامی، پیش‌ران‌ها شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. در مرحله دوم، پرسش‌نامه پنل خبرگانی به صورت جدول تحلیل تأثیرات متقاطع تنظیم و به خبرگان دانشگاهی برگزیده فرستاده شد؛ پس از دریافت آنها، نتایج داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک‌مک^۱ تحلیل شده‌اند. در این نرم‌افزار، با مقایسه پیش‌ران‌ها با ترسیم جدول متقاطع، به دریافت نظر خبرگان اقدام می‌شود و سپس میزان تأثیرگذاری و اهمیت هر یک از این پیش‌ران‌ها نسبت به پیش‌ران‌های دیگر مشخص می‌شود. برای این مهم، از خبرگان خواسته شد که در پرسش‌نامه ارتباط هر پیش‌ران با خودش را صفر در نظر گیرند، و چنانچه بین یک پیش‌ران با پیش‌ران‌های لحاظ‌شده دیگر هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد، امتیاز آن پیش‌ران صفر خواهد بود. ارتباط ضعیف امتیاز یک، ارتباط متوسط امتیاز دو، و ارتباط زیاد امتیاز سه را به خود اختصاص می‌دهد و اگر ارتباط بین پیش‌ران‌های شناسایی شده تنها بالقوه باشد، با حرف p نشان داده خواهد شد. سپس تعدادی از پیش‌ران‌هایی که میزان ارتباط آنها با توسعه سیاسی از نظر خبرگان دانشگاهی اندک بود، یا فقط دارای تأثیرات بالقوه بر فرایند توسعه سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودند، حذف شدند و در نهایت، ده پیش‌ران اصلی و تأثیرگذار، برای پژوهش انتخاب شده‌اند. امتیازهای داده‌شده از سوی پنل خبرگان به پیش‌ران‌های اصلی، در جدول شماره ۱ آمده است. در هر مورد از پیش‌ران‌ها، متوسط امتیازهای کسب‌شده به صورت یک عدد رند در نظر گرفته شده است.

پس از به دست آوردن ماتریس امتیازات و رابطه هر پیش‌ران با پیش‌ران‌های دیگر، در جدول شماره ۳ مجموع امتیازات به دست آمده هر پیش‌ران نمایش داده می‌شوند.

جدول شماره ۱: ماتریس امتیازات رابطه هر پیش‌ران نسبت به پیش‌ران‌های دیگر

گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه توسعه و پیشرفت در آن	قانون اساسی و چشم‌انداز توسعه و پیشرفت	رهبران و نخبگان توسعه‌گرا و حامی توسعه	ارتباطات و رسانه‌ها و گسترش استفاده از آنها	ساختار حکومت	انتخابات و نظام انتخاباتی	جنبش‌های مدنی و توسعه‌گرا	گسترش آموزش عالی	رشد طبقه متوسط	روندها و عوامل بین‌المللی توسعه
گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه توسعه و پیشرفت در آن	۰	۳	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۱
قانون اساسی و چشم‌انداز توسعه و پیشرفت	۳	۰	۳	۲	۳	۲	۲	۱	۲
رهبران و نخبگان توسعه‌گرا و حامی توسعه	۳	۳	۰	۲	۳	۲	۲	۲	۲
ارتباطات و رسانه‌ها و گسترش استفاده از آنها	۲	۲	۲	۰	۲	۳	۳	۳	۳
ساختار حکومت	۳	۳	۳	۱	۰	۲	۲	۲	۱
انتخابات و نظام انتخاباتی	۳	۳	۳	۲	۳	۰	۲	۲	۲
جنبش‌های مدنی و توسعه‌گرا	۲	۲	۲	۳	۲	۰	۳	۳	۳
گسترش آموزش عالی	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۰	۲	۳
رشد طبقه متوسط	۲	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۰	۲
روندها و عوامل بین‌المللی توسعه	۱	۲	۲	۳	۱	۳	۳	۲	۰

جدول شماره ۲: امتیازات پیشن‌ران‌ها

جمع امتیازات کسب‌شده	پیشن‌ران‌ها
۲۲	گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه پیشرفت و توسعه در آن
۲۲	رهبران و نخبگان توسعه‌گرا و حامی توسعه
۲۲	انتخابات و نظام انتخاباتی
۲۲	جنبش‌های مدنی و توسعه‌گرا
۲۲	گسترش آموزش عالی
۲۱	قانون اساسی و چشم‌انداز پیشرفت و توسعه
۲۱	ارتباطات و رسانه‌ها و گسترش استفاده از آنها
۲۰	ساختار حکومت
۱۹	رشد طبقه متوسط جدید
۱۹	روندها و عوامل بین‌المللی مشوق توسعه

براساس امتیازات به‌دست‌آمده، هریک از پیشن‌ران‌های اصلی که براساس نتایج پرسش‌نامه به دست آمده‌اند، دارای رابطه‌ای مستقیم، هم با متغیر وابسته (توسعه سیاسی) و هم با دیگر پیشن‌ران‌ها می‌باشند؛ به نحوی که ارتقای هریک از آنها، بر کیفیت و پیشبرد دیگری تأثیر بسزایی دارد. در ادامه به تبیین هریک از پیشن‌ران‌ها براساس پیوستگی و انسجام مطالب پرداخته می‌شود.

پیشن‌ران‌های توسعه سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

مؤلفه‌های مختلفی را می‌توان در ذیل پیشن‌ران‌های توسعه سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داد از جمله:

گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه توسعه و پیشرفت

یکی از پیشن‌ران‌های توسعه سیاسی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی و طرح مباحث و مفاهیم توسعه‌خواهانه در جریان شکل‌گیری و در ادوار مختلف بعد از پیروزی انقلاب تاکنون بوده

است. گفتمان توسعه‌ای^۱ انقلاب اسلامی اگرچه شباهت‌هایی با نظریه‌های رایج توسعه جهانی دارد، با آنها تفاوت‌های ماهوی برجسته‌ای نیز دارد؛ زیرا گفتمان توسعه رایج، با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی‌های معمول اندیشمندان غربی و صاحبان نظریه وابستگی، دنیا را به صورت فضایی در نظر می‌گیرد که دارای مرکز خرد، دانش، عقل و پیشرفت در اروپای غربی و یک نقطه پیرامون آن است که جهل و بربریت از ویژگی‌های آن نقطه پیرامونی شمرده می‌شود. در این فرایند، ایده توسعه و پیشرفت، میراث اصلی مدرنیته تلقی می‌شود که در آن، همه جوامع در مسیر تکامل خود با پذیرش نظریه تک‌خطی توسعه، برای توسعه و پیشرفت خود به سبک غربی حرکت می‌کنند. پیروزی انقلاب اسلامی، واکنشی تدافعی به نظریه پذیرفته‌شده تک‌خطی توسعه جوامع بود که با نقد مدل توسعه و نوسازی پهلوی، که تحت تأثیر الگوهای غربی بود، و با شکل دادن به نظام دینی جمهوری اسلامی، به تقابل با نظریه‌های توسعه مدرن پرداخت تا ثابت کند که می‌توان در مسیر توسعه، هم از دستاوردهای مثبت تمدن غربی بهره‌مند بود و هم الگوهای دینی و اعتقادی جوامع خویش را حفظ کرد و با توجه به این الگوها به حیات سیاسی و اجتماعی ادامه داد (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۳).

باینکه در نگرش رهبران انقلاب اسلامی، پیشرفت و توسعه متوازن و متناسب همواره در همه ابعاد پذیرفته شده است، این فرایند پیشرفت و توسعه در نهایت باید به استحکام پایه‌های دین و معنویت، تعالی تربیت و هدایت انسان و تقویت مبانی اسلامی و ایرانی منجر شود. برای مثال، در منظومه فکری امام خمینی^ع، پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی، علاوه بر آنکه دارای مبانی و ملزومات خاص خود است، باید محقق‌کننده اهدافی متعالی باشد که از بطن تفکر دینی و اندیشه‌ای انقلاب اسلامی ناشی می‌شود و در رأس همه آن اهداف، خداآوری و حاکمیت توحید باید در

1. Development Discourse.

جامعه برقرار باشد (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). به همین دلیل، الگوی پیشرفت در اندیشه سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی، الگویی کاملاً اسلامی و ایرانی است، نه الگوی توسعه‌ای غرب‌مدار. از دیدگاه امام علیه السلام، اسلام همواره پیشرفت و تمدن را قبول دارد و برای تحقق آن می‌کوشد. بر مبنای همین دیدگاه‌هاست که امام علیه السلام در تحول همه ساختارهای سنتی فقه اسلامی به ساختارهای مدرن، نقش مهمی ایفا می‌کنند و با تأکید و پذیرش ایشان، در شکل‌گیری ساختاری با نام «جمهوریت» به‌عنوان ساختار شکلی حکومت، و هماهنگ ساختن آن با مبانی تفکر اسلامی، گام بزرگی در ورود مفاهیم، نهادها و ساختارهای سنتی به ساختارهای مدرن در عصر حاضر برداشته شده است (کمالی اردکانی، ۱۳۸۷: ۴۸).

همچنین نظریه سیاسی^۱ امام خمینی علیه السلام هنگامی قابل فهم است که آن را در ارتباط با مقوله‌هایی مانند «مردم» یا «دولت» بررسی کنیم. نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام اگرچه در قالب فقه سنتی اسلامی تدوین یافته است، تکرار صرف تفکر سیاسی سنتی شیعه نیست، بلکه تفسیری نوین و بنیادی از دکتترین سیاسی شیعه است (بابی، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۲). بنابراین، گفتمان انقلاب اسلامی با پشتوانه نظری اندیشه توسعه‌ای امام خمینی علیه السلام و ظرفیت‌های گفتمانی پساتوسعه می‌تواند در مقابل گفتمان‌های توسعه غربی، به حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود در قالب نظریه دین‌محور ادامه دهد. این نوع توسعه، با مفاهیمی از جمله مشارکت مردمی، نظارت مردمی، جهاد همگانی، ساده‌زیستی، مبارزه با فقر، منزلت نهادن به اقشار کم‌درآمد و گروه‌های حاشیه‌ای، تأکید بر جایگاه و حقوق زنان، مطابق ارزش‌های اسلامی و ایرانی، آگاهی مردمی، شایسته‌سالاری، بومی‌سازی، بی‌توجهی به ظواهر دنیوی، توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی، و سعادت‌مندی معنوی ترکیب شده است. اینها همه مؤید وجود نگرشی مردمی در ادبیات نظری امام علیه السلام است؛ نگرشی که توسعه را با مردم و برای مردم تعریف می‌کند (جمشیدی‌ها و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳).

تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی هم نشان می‌دهد که ۳۵ درصد شعارها مربوط به آرمان‌ها و اهداف سیاسی، ۴۸ درصد مربوط به آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی، ۵/۵ درصد مربوط به آرمان‌ها و اهداف اقتصادی و ۱۰ درصد مربوط به ضرورت وحدت و مبارزه برای تحقق این آرمان‌ها بوده است (پناهی، ۱۳۸۳: ۷۰-۱۷۸). اگر متن شعارها را بازتاب‌دهنده اولویت خواسته‌های مردم و انقلابیون در نظر بگیریم، موضوع حقوق سیاسی و ارزش‌های سیاسی شامل آزادی بیان، آزادی مشارکت سیاسی و...، بیشترین درصد شعارها را تشکیل می‌دهند و در نتیجه، بالاترین اولویت را خواهند داشت. در نتیجه می‌توان گفت مهم‌ترین آرمان سیاسی مردم در جریان انقلاب و طرح گفتمانی آن، آزادی و مشارکت سیاسی بوده است.

در منظومه فکری رهبران انقلاب ایران، از الگوی نوسازی خاصی حمایت شده است که می‌توان آن را نوعی الگوی تأسیسی و تلفیقی نامید. این الگو از یک سو متأثر از مبانی ثابت دینی و اعتقادی (همچون اندیشه امامت در تشیع) است که این امر ویژگی‌های منحصر به فرد و تأسیسی را برای آن ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، متأثر از مبانی عقل‌گرا و واقع‌گرایانه فقهی و اصولی شیعی است که با تأکید بر اهمیت جایگاه عقل، بنای عقلا، عرف، زمان و مکان و مصلحت از توانایی بالایی در جذب عناصر تمدنی جهان معاصر و تجارب بشری و از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار است و وجوه تلفیقی را برای آن الگو به وجود می‌آورد (فوزی، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۵).

رهبران حامی توسعه و نخبگان توسعه‌گرا

نخبگان جامعه را می‌توان از عناصر تأثیرگذار در تبیین توسعه سیاسی آن جامعه به‌شمار آورد. در کلی‌ترین مفهوم، نخبه^۱ به گروهی از افراد جامعه گفته می‌شود که در آن جامعه جایگاهی رفیع در اختیار دارند یا در رشته‌ای خاص دارای برتری‌اند (باتامور، ۱۳۶۹: ۱). سریع‌القلم، نخبگان سیاسی را به دو گروه کلی نخبگان ابزاری و نخبگان فکری تقسیم می‌کند. نخبگان ابزاری افراد

1. Elites.

صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی هستند و نخبگان فکری نیز تولیدکننده فکر، روش‌های بهینه مدیریتی، صاحبان نظریه، افراد دارای بینش آینده‌نگری و دوراندیشی و مشخص‌کننده روش‌های عقلایی برای تحقق اهداف شمرده می‌شوند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۶۱). برای تبیین جایگاه رهبران و نخبگان توسعه‌گرا و حامی توسعه، به‌عنوان پیش‌ران توسعه سیاسی، دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای را در باب توسعه بررسی می‌کنیم.

امام خمینی علیه السلام

جست‌وجو در نظرهای حضرت امام خمینی علیه السلام نشان می‌دهد باینکه ایشان در آثار مکتوب و سخنرانی‌های خود هیچ‌گاه به‌وضوح از واژه توسعه سیاسی به معنای رایج و مصطلح آن سخنی به میان نیاورده و حتی به ترسیم مبانی، اهداف و تعیین شاخصه‌های آن پرداخته‌اند، تأمل در سخنان و مکتوبات ایشان، نظامی فکری را به دست می‌دهد که می‌توان از آن اهداف، شاخص‌ها و درنهایت مدل توسعه سیاسی را استخراج کرد. برداشت امام علیه السلام از توسعه سیاسی، با تعریف رایج و متداول آن در نظامات سیاسی غربی متفاوت است. شاخص‌گذاری امام علیه السلام برای نیل به توسعه سیاسی، با توجه به نگاه توحیدی ایشان ذیل منافع دنیوی و مادی قابل تعریف نیست، بلکه می‌توان آن را ذیل هدفی والا تر، یعنی حرکت به سوی تحقق مکتب توحیدی و قرب به سوی خداوند متعال تعریف کرد. اگر امام علیه السلام به دنبال برقراری نظام سیاسی دمکراتیک اسلامی و ایجاد قالب جمهوری برای آن‌اند، محتوای نظام را ذیل نگاه توحیدی و مبانی الهی تعریف می‌کنند و بی‌تردید، نوع نگاه امام علیه السلام به حکومت، توسعه، اجتماع، انسان، دولت و ... برگرفته از این مبانی است؛ چراکه بدون شناخت این مبانی، دستیابی به این بنای عظیم و معماری نظام نوین اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۱۲-۸).

اهداف توسعه سیاسی در دو ساحت غایی و میانی در نظر امام علیه السلام درخور بررسی است. هدف غایی و مطلوب در نظر امام علیه السلام، در تعالی انسان و کسب سعادت و تحقق ایده توحید پایه‌ریزی می‌شود. اهداف میانی توسعه سیاسی در نظر امام خمینی علیه السلام را که درحقیقت خطوط اصلی نایل آمدن به هدف غایی توسعه سیاسی هستند، می‌توان تحقق دولت

اسلامی، ثبات و بقای نظام اسلامی، کارآمدی حکومت، ایجاد نظام عادلانه اسلامی و دفع استعمار، وابستگی و قطع دست اجانب از نظام اسلامی برشمرد.

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه

در زمینه دیدگاه‌های رهبری انقلاب درباره توسعه سیاسی، باید گفت ایشان معمولاً از اصطلاح پیشرفت به جای توسعه استفاده می‌کنند (خواجسته‌سروی و ابجھی، ۱۳۹۲: ۳۰). با جست‌وجو در منظومه فکری و بیانات رهبر انقلاب، می‌توان الگویی از توسعه را استنباط کرد که هم‌زمان، هم‌دربگیرنده نشانگان و شاخص‌های رایج کمی و هم‌دربدارنده شاخص‌های کیفی توسعه است. افق گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای در پیشرفت کشور، بر مبنای نظریات فقهی و اسلامی و انقلابی است؛ الگویی که سال‌هاست با نام «الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی» تبیین و رایج شده است. یازده سیاست و چهارچوبی را که ایشان برای پیشرفت مطرح ساخته‌اند، به صورت نمودار و الگوی زیر می‌توان نمایش داد:

نمودار شماره ۱: الگوی توسعه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای



با بررسی نظرهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تحلیل دیدگاه‌های رهبر، به مفهوم خاصی از توسعه سیاسی می‌رسیم که واجد ویژگی‌هایی بومی است؛ بدین معنا که ضمن داشتن شاخص‌های توسعه سیاسی رایج در جهان، بر عنصر «اسلامی» تأکید دارد؛ و نوعی از توسعه سیاسی مطلوب است که با معیارهای اسلامی مطابق است. درحقیقت نوعی دمکراسی ضابطه‌مند است که نهادهای دمکراسی از قبیل تفکیک قوا و انتخابات در آن وجود دارند، و توسعه سیاسی مترادف با مردم‌سالاری به شکلی خاص در نظر گرفته می‌شود؛ بدین صورت که جمهوری اسلامی دارای شاخصه‌هایی مانند انتخابات، تحزب، آزادی، اجماع و گردش‌نخبگان است ولی با مردم‌سالاری غربی که در متن تمدنی غرب تولد یافته و مبتنی بر انسان‌گرایی و لیبرالیسم است تفاوت دارد (خواج‌سروی، ۱۳۹۲: ۳۱).

انتخابات و نظام انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی و سیاسی در نظام‌های دمکراتیک‌اند. تحقیقات و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نهاد نظام انتخاباتی در بخش‌های گوناگون حیات سیاسی در هر کشور تأثیرات عمیق و پایداری می‌گذارد. در واقع، یکی از ابزارهای ثبات سیاسی سیستم‌های حکومتی، برگزاری انتخابات است که از طریق کارکردهایی همانند تطبیق با تغییرات محیطی، پرهیز از منازعات خشونت‌آمیز و افزایش کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی، به ایجاد امنیت و ثبات کشورها کمک شایانی می‌کند و از آشفتگی‌های سیاسی و پدیدار شدن نظام‌های غیردمکراتیک جلوگیری خواهد کرد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۳۸-۵۰).

جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعداد مراجع به آرای عمومی، در بین دیگر کشورهای جهان در سطوح بالایی قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این امر را می‌توان جایگاه قانونی حق انتخاب مردم دانست. در قانون اساسی، در اصول متعددی مکانیزم مذکور در مشارکت سیاسی بیان شده‌اند؛ از جمله آنها اصول ۶، ۷، ۶۲، ۸۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۱۴ قانون اساسی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اصل انتخابات و مشارکت مردم

پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که با احتساب برگزاری فرآیندها، جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۶ در طول ۳۹ سال از حیات سیاسی خود، ۳۶ بار برای تعیین ساختار و اداره امور کشور به انتخابات مراجعه کرده است. نمودار منحنی درصد مشارکت انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، بالاتر از شصت درصد را نمایش می‌دهد (همان: ۱۲۷-۱۳۱).

شکل‌گیری جنبش‌های مدنی و توسعه‌گرا

انقلاب اسلامی ایران همچون دیگر حرکت‌های تاریخ معاصر، نهضت عظیم مدنی بود که می‌توان آن را یکی از امواج توسعه‌خواهی ایرانیان در تاریخ معاصر تعبیر کرد. شکل‌گیری انقلاب اسلامی پدیده‌ی شگفتی‌ساز و نادری بود که بنابه ماهیت خود زمینه‌ساز تغییرات گسترده‌ای در مناسبات سیاسی جامعه ایرانی شد. در واقع، نقطه‌ی عطف جنبش‌های مدنی و توسعه‌گرایانه در تاریخ معاصر، با پیروزی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد و از دل گفتمان ظرفیت توسعه‌گرایانه انقلاب اسلامی است که خرده‌گفتمان‌هایی همانند خرده‌گفتمان اصلاح‌طلبی به وجود می‌آید.

شکل‌گیری جنبش مدنی و توسعه‌گرایانه در دوره‌های گوناگون در جمهوری اسلامی، معلول مؤلفه‌ها و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. به‌عنوان مثال می‌توان گفت در نیمه‌ی دوم دهه ۷۰ تغییر در ترکیب جمعیتی کشور (از روستانشین به شهرنشین) و افزایش جمعیت جوان کشور، گسترش و رشد شهرنشینی و شهرگرایی و متعاقب آن افزایش توقعات رفاه‌طلبانه اقشار مختلف، گسترش و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ و توسعه و رشد نهادهای آموزشی و دانشگاه‌ها، ظهور طبقه‌ی متوسط جدید و تشکیل انجمن‌های روشن‌فکری و همچنین استراتژی توسعه‌ی صادرات و اتخاذ سیاست‌های خصوصی‌سازی، آزادسازی و گسترش مصرف‌گرایی و نیز سیاست تعدیل اقتصادی دولت پنجم (هاشمی‌رفسنجانی)، که به دنبال خود توسعه‌ی سیاسی را اقتضا می‌کرد، از زمینه‌های شکل‌گیری مرحله‌ی تازه‌ای از جنبش مدنی و توسعه‌گرایی بود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۴۵).

در مرحله بعد از حیات انقلاب اسلامی در دوم خرداد ۱۳۷۶ بر مسائلی تأکید شد از جمله ضرورت توسعه فرهنگی و سیاسی، اجرای اصلاحات گوناگون سیاسی و اجتماعی، ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی، فرایند تجمیع تقاضاهای مردم در قالب‌های جدید مانند جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، ضرورت وجود احزاب، گسترش فرهنگ تسامح، آزادی بیان و آزادی پس از بیان، تکثرگرایی، قانون‌گرایی، رشد کمی و کیفی مطبوعات، آزادی مطبوعات و نشریات، برگزاری اجتماعات سیاسی در دانشگاه‌ها و در سطح کشور، طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در رسانه‌ها، مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۵). اگرچه زمینه‌های طرح بیشتر این مباحث در گفتمان اصیل انقلاب اسلامی و قانون اساسی مترقی آن از ابتدا وجود داشته و خرده‌گفتمانی همانند اصلاح‌طلبی تنها توانسته به بخشی از مطالبات این گفتمان اصلی اشاره کند، خرده‌گفتمان اصلاح‌طلبی به دلیل عدم تجانس کامل با ابرگفتمان انقلاب اسلامی و به علت وام‌داری از ایدئولوژی‌های غربی، نتوانست شاخص‌های توسعه سیاسی در پرتو الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت مدنظر رهبران انقلاب را نهادینه کند و با طرح مسائل نامتجانس با الگوی ابرگفتمان انقلاب اسلامی، به جای ثبات بخشی به سیستم سیاسی، با طرح مباحث چالش‌برانگیز در پرتو مکتب‌های التقاطی، به خرده‌گفتمان چالش‌زا برای نظام تبدیل شد و عملاً طرح مباحث توسعه خواهانه در آن به بیراهه کشیده شد.

گسترش آموزش عالی

گسترش آموزش عالی در هر جامعه‌ای منافع سرشاری را در ابعاد مختلف به دنبال دارد. توسعه مرزهای دانش، گسترش دامنه علوم و آموزش مهارت‌های مطالعاتی و پژوهشی و نیز کمک به ایجاد تحولات مثبت اجتماعی و ارتقای توسعه سیاسی، از دستاوردهای تقویت و تعمیق بخش آموزش عالی است. در فرایند آموزش و توسعه سیاسی، به مفاهیمی مانند

مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی توجه می‌شود. مشارکت سیاسی در سطح جامعه فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه به شیوه‌های گوناگون را فراهم می‌کند و پس از تحقق توسعه اقتصادی، مشارکت سیاسی مردم بیشتر و راه برای اجرای مراحل بعدی توسعه سهل‌تر می‌شود.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، رشد میزان باسوادی با سرعت ادامه یافت؛ در حالی که در سال ۱۳۳۲ تعداد باسوادان کشور ۲۷ درصد جمعیت را تشکیل می‌داد، در سال ۱۳۹۵ میزان باسوادی به ۸۷/۶ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران). تغییر ذائقه‌های افراد باسواد در جامعه در حال تحول، نوع برداشت افراد از مسائل سیاسی و اجتماعی را دستخوش تغییر می‌کند: افراد باسواد با درک و تلقی مناسب‌تر از وضعیت اجتماعی خود، از حس مشارکت‌جویی بیشتری درباره مسائل پیرامون خود برخوردارند و سطح مطالبات آنها از نظام سیاسی در سطح بالاتری نسبت به افراد دیگر جامعه قرار دارد (عراقی، ۱۳۸۶: ۱۳).

آمارهای در دسترس نشان می‌دهند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مراکز دانشگاهی از لحاظ کمی و کیفی دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده‌اند؛ در حالی که در سال ۱۳۶۳ تعداد کل دانشجویان کشور ۱۴۵۸۰۹ نفر برآورد شده، در سال ۱۳۹۴ تعداد دانشجویان در سراسر ایران به حدود ۴/۵ میلیون نفر رسید و این روند همچنان وضعیت صعودی دارد. همچنین در این سال‌ها، تعداد اعضای هیئت‌علمی نیز از ۵۷۹۴ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۲۶۸۰۰ نفر (اعضای هیئت‌علمی وزارت علوم) در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

گسترش آموزش عالی و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، به‌عنوان پیش‌ران توسعه، از این جهت اهمیت دارد که هرچه تعداد دانشجویان در جامعه‌ای بیشتر باشد، افراد تحصیل‌کرده، نقش مؤثر و بارزتری در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی آن جامعه ایفا می‌کنند؛ چراکه دانشجویان و افراد تحصیل‌کرده بیشتر از دیگران با جهان جدید آشنایی پیدا کرده‌اند و با مشاهده تفاوت‌های عمیق میان جامعه خود با جوامع پیشرفته صنعتی و

توسعه‌یافته، مطالبات بیشتری از نظام سیاسی پیدا می‌کند و از این جهت با بهره‌گیری از مدل‌های زمامداری نوین، خواهان دستیابی کشور خویش به توسعه و پیوستن به صف ملت‌های پیشرفته می‌شوند (همان: ۸).

قانون اساسی و ترسیم چشم‌انداز توسعه و پیشرفت

قانون اساسی هر کشور، نماد اصلی اراده ملت و میثاق متقابل مردم و حکومت شمرده می‌شود و روند مطلوب توسعه و بالندگی هر جامعه منوط به آن است که قانون اساسی آن کشور، نگاه جامع و اصولی به عوامل فزاینده رشد و توسعه جامعه داشته و اصول آن با نگرش تکاملی پویا به اداره امور جامعه تنظیم شده باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به توسعه کشور در همه زمینه‌ها توجه ویژه شده است.

اصل مشارکت عمومی در اداره امور کشور

اصل سوم قانون اساسی ایران، در جهت پایداری مبانی حاکمیت ملی، دولت را مکلف می‌داند که با به‌کارگیری همه امکانات خویش، زمینه تحقق مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم کند. در اصل ششم، اداره امور کشور را متکی به آرای عمومی می‌داند و سازکارهای تحقق این اصل را برگزاری انتخابات و نیز همه‌پرسی در مسائل مهم کشور دانسته است. اصول متعدد دیگری در قانون اساسی ایران (از جمله اصول ۵۷، ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۱۴) نیز بر این مهم تأکید دارند. همچنین وجود شوراهای موجب تسریع در پیشبرد برنامه‌های مختلف از طریق مردم، جلب مشارکت مردمی، جلوگیری از تبعیض، اعمال نظارت مردمی بر امور کشور، تأمین قسط و ایجاد هماهنگی بیشتر در امور می‌شود و این نتایج سبب توسعه بیشتر در جامعه می‌شود (صفار، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۸).

اصل تفکیک‌ناپذیری آزادی، استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی

قانون اساسی، ضمن تأکید بر اصل وحدت ملی، سازکارهای مناسبی را برای تحقق این اصول مهم و حیاتی، که تضمین‌کننده امنیت ذهنی شهروندان جامعه‌اند، اندیشیده است؛ از جمله اصل نوزدهم قانون اساسی درباره برخورداری اقوام ایرانی از حقوق مساوی صرف نظر از رنگ، نژاد، زبان؛ اصل بیستم قانون اساسی در زمینه برخورداری یکسان همه افراد ملت از حمایت قانونی؛ اصل دوازدهم قانون اساسی درباره رسمیت شناختن همه مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی دیگر و آزادی آنها در انجام مراسم مذهبی و احوال شخصی و حتی قضاوت طبق فقه خودشان؛ اصل پانزدهم قانون اساسی درباره اجازه استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات، رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. تحلیل اصول یادشده قانون اساسی، بیانگر آن است که وضع‌کنندگان آن، با نگاهی بلندمدت و راهبردی ظرفیت‌های مناسبی برای دستیابی به توسعه سیاسی در بعد از انقلاب اسلامی فراهم کرده‌اند. بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها به صورت صحیح و دوجانبه به وسیله دولت و ملت در این اصول، زمینه مشارکت همه شهروندان جامعه را برای پیشبرد توسعه سیاسی مهیا می‌کند.

حقوق و آزادی‌های اساسی ملت

فصل سوم قانون اساسی، به بیان انواع حقوق و آزادی‌های ملت (اعم از حقوق سیاسی، اجتماعی، فردی، اقتصادی و قضایی) اختصاص یافته و در اصول دیگری از قانون اساسی نیز به مناسبت، بخش‌های دیگری از حقوق ملت بیان شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصولی در راستای حمایت از حقوق انسانی و جان و مال و مسکن اشخاص، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در چهارچوب قانون، آزادی احزاب و جمعیت‌ها، لزوم قانونی بودن مجازات‌ها و برپایی دادگاه، آزادی شغلی افراد و ... پیش‌بینی شده است

ک اجرای هریک از این اصول گام بزرگی در راستای تحقق توسعه سیاسی و عینیت بخشیدن به شاخص‌های آن است.

اصل تفکیک قوا (تنظیم روابط قوای سه‌گانه)

مفهوم اصل تفکیک قوا^۱ آن است که قدرت حکومت بین قوای عالی کشور (سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه) به نحوی تقسیم و تعدیل شود که هریک از قوا بدون دخالت قوه دیگر قادر به اتخاذ تصمیم و انجام وظیفه ویژه خود باشد. عموماً اصل تفکیک نسبی قوا، به مفهوم وجود حداکثر استقلال ممکن برای قوای عالی و پذیرش راه‌های همکاری قوا و جلوگیری از تداخل وظایف و به جهت جلوگیری از تمرکز قدرت و پیدایش انحصارطلبی، که از موانع جدی توسعه سیاسی است، مورد قبول قرار گرفته است. اصل ۵۷ قانون اساسی نیز، عملاً به جای واژه «تفکیک قوا» از واژه «استقلال قوا» بهره گرفته است. در مجموع می‌توان گفت که مطالعه قانون اساسی، بالاترین سند سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد زیربناهای دستیابی به جامعه توسعه‌یافته سیاسی در اصول آن لحاظ شده و اصول یادشده ظرفیت‌های مناسبی در اختیار حاکمیت و مردم، برای دستیابی به توسعه سیاسی قرار داده است.

ارتباطات و رسانه‌ها و گسترش استفاده از آنها

رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای از مردم جامعه باشد و می‌توان وسایلی همانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نوین برخاسته از آن را رسانه به‌شمار آورد. علاوه بر رشد کیفی مطبوعات در ایران بعد از انقلاب، رشد کمی هم می‌تواند از شاخص‌های توسعه سیاسی در برهه زمانی انتخاب‌شده بررسی شود. درحالی‌که در سرشماری سال ۱۳۷۲ یعنی اولین

1. Separation of Powers.

آمار در دسترس مطبوعات، تعداد کل مطبوعات در سراسر کشور عدد ۴۳۷ را نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۴ یعنی آخرین آمار رسمی در دسترس، تعداد مطبوعات نوشتاری به ۸۲۸۷ عدد رسیده است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۴: ۷۳۴).

همچنین براساس بررسی‌ها برنامه‌های نیمه‌وقت صدا و سیما در گذشته، هم‌اکنون به برنامه‌های ۲۴ ساعته و از دو شبکه، به بیش از بیست شبکه ارتقا یافته و صدا و سیما با تنوع بخشی به شبکه‌ها و برنامه‌های خود توانسته است هم رضایت نسبی شهروندان و هم میزان آگاهی بخشی به آنها در زمینه‌های گوناگون را فراهم سازد. طبق آمارهای موجود، در ایران حدود صد ماهواره تلویزیونی، یعنی نیمی از ماهواره‌های جهان، قابل دریافت‌اند که امکان تماشای ۱۷۶۶۱ شبکه تلویزیونی را فراهم می‌کنند (گلشنی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). نتایج سرشماری دسترسی خانوارها به فناوری اطلاعات و ارتباطات هم تا پایان سال ۱۳۹۴ (آخرین آمار در دسترس)، نشان می‌دهند که ۵/۵۵ درصد از خانوارهای ایرانی، که معادل سیزده میلیون و ۴۷۹ هزار و ۸۱۵ خانوار می‌شوند، به اینترنت دسترسی دارند. در همین حال، شمار خانوارهای دارای دسترسی به رایانه ۴/۵۷ درصد، معادل سیزده میلیون و ۹۳۸ هزار و ۹۴۳ خانوار برآورد شده است. نتایج آمارگیری سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور نشان می‌دهند که تا پایان سال ۱۳۹۴ ضریب نفوذ کاربران اینترنت در کشور بیش از چهل درصد بوده است. تا پایان سال ۱۳۹۵ ضریب نفوذ اینترنت در کشور به پنجاه درصد رسیده و دسترسی خانوارها به اینترنت تا پایان سال ۱۳۹۵ از ۵۵ درصد فراتر رفته است (تحلیل نتایج طرح آمارگیری در سال ۱۳۹۴ سازمان فناوری اطلاعات ایران، دسترسی در: https://mis.ito.gov.ir/result_tahlil).

افزایش مشارکت سیاسی، تقویت جامعه مدنی، جهت‌دهی به افکار عمومی، تبلیغات سیاسی (به معنای ترویج و انتشار منظم دکترین خاص)، تحقق مشروعیت سیاسی از طریق ایجاد اعتماد به نظام سیاسی و ... از کارکردهای رسانه‌ها و ارتباطات به‌عنوان پیش‌ران‌های توسعه سیاسی به‌شمار می‌آیند.

ساختار حکومت

از پیش‌ران‌های دستیابی به توسعه سیاسی در دنیای امروز، نوع ساختار و شکل حکومت‌هاست و می‌توان گفت بین ساختار حکومت و حرکت به سمت ارزش‌های دموکراتیک، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. به هر میزان نقش مشارکت و نظارت مردم در ساختار پیش‌بینی و نهادینه شده باشد، سیستم سیاسی بیشتر به سوی جلب رضایتمندی مردم حرکت خواهد کرد. در ایران نیز پس از استقرار جمهوری اسلامی، قانون اساسی با تعریف ساختار ویژه و منحصر به فرد خود برای مهار قدرت و رعایت اصول دموکراتیک در آن، راهکارهای مختلفی را پیش‌بینی کرده است که می‌توان آنها را چهار سطح ساختاری، مهار درونی حکومت، نظارت همگانی و کنترل نهادی نام برد.

در خصوص مدل طراحی شده برای نظام حکومتی در جمهوری اسلامی در بخش ساختاری، می‌توان به طرح مواردی از قبیل «اصول جمهوریت نظام»، «تفکیک قوا» و «سیستم نمایندگی» برای مهار و توزیع قدرت سیاسی اشاره کرد. در خصوص مهارت درونی قدرت، می‌توان گفت با آنکه در دنیای سیاست کنونی بر ایجاد مکانیزم‌های بیرونی برای مهار قدرت حکمرانان سیاسی بیشتر تأکید می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مکانیزم‌های عینی و بیرونی، بر مهار درونی قدرت حاکمان با داشتن ویژگی‌هایی نظیر تقوا و سلامت نفس نیز تأکید شده و با پذیرش هر دو راه نظارت، راه اطمینان بخش مناسب‌تری برای کنترل قدرت در پیش گرفته شده است. در بحث نظارت همگانی، قانون اساسی با پذیرش مکانیسم‌هایی همانند امر به معروف و نهی از منکر، آزادی فعالیت احزاب و انجمن‌ها و جمعیت‌ها و وجود نشریات و مطبوعات آزاد در چهارچوب قانونی مشخص شده، از ابزارهای نظارت همگانی برشمرده شده است.

در خصوص کنترل نهادی هم، با آنکه مقام رهبر بالاترین مقام در کشور در قانون اساسی شناخته شده و قانون علاوه بر ذکر اختیارات رهبر در بخش‌های مختلف حاکمیتی، راه‌های اشراف وی بر قوا را نیز مشخص کرده است، مقام رهبری خود نیز طبق قانون اساسی از

نظارت مستثنی نشده است. اگرچه قانون‌گذار بر ویژگی مهار درونی رهبر از طریق داشتن ملکه تقوا اهتمام بیشتری کرده، از نظارت بیرونی (نظارت خبرگان بر رهبر) (اصل یک‌صد و هشتم) نیز غافل نبوده است.

رشد طبقه متوسط

منظور از طبقه متوسط جدید، گروه‌های اجتماعی جدیدی هستند که تأثیر آنها بر پویای تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نسبت به طبقه متوسط سنتی، هم از نظر کیفی (نحوه تأثیرگذاری) و هم از نظر کمی (میزان تأثیرگذاری)، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. در کشورهای همانند ایران، که زمینه‌های رشد این طبقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با افزایش مستمر جمعیت و گسترش بروکراسی اداری و سیاسی وجود داشته، این طبقه مدام در حال گسترش است. در واقع این طبقه دربرگیرنده تمام نیروهای اجتماعی باسواد و تحصیل‌کرده شهری، یعنی صاحبان مشاغل اداری یا حقوق‌بگیران حکومتی، حقوق‌دانان، پزشکان، مهندسان، وکلا، استادان دانشگاه، تکنسین‌ها، مدیران و هر شخصیت دیگری است که به‌صورت فکری در تلاش تأمین معاش و تغییر اجتماعی و سیاسی وضع موجودند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۱۷).

از منظر جامعه‌شناختی، گسترش آموزش عالی، وقوع تحولات جهانی و جهانی شدن و از همه مهم‌تر افزایش نرخ جمعیت و رشد جمعیت شهری، غالباً با رشد طبقه متوسط جدید همراه است. همچنین یکی از مهم‌ترین آثار رشد سواد و تحصیلات، بالا رفتن درک و تحلیل مسائل اجتماعی و احساس مشارکت‌جویی است و از طرفی نیز، روحیه مطالبه‌گری را از نظام سیاسی افزایش داده است. گسترش بوروکراسی دولتی در جمهوری اسلامی، حوزه دیگری است که می‌توان تأثیرگذاری و جایگاه طبقه متوسط را در آن شناسایی کرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۳۱). خواسته‌های سیاسی طبقه متوسط جدید را می‌توان در مفاهیمی چون توسعه سیاسی و آزادی اقتصادی جست‌وجو کرد و این دو ارزش محوری را بارها در ادبیات انتشار یافته

ازسوی این طبقه می‌توان دید (عراقی، ۱۳۸۶: ۳۸). بررسی تاریخ توسعه سیاسی جوامع توسعه‌یافته نشان می‌دهد در این جوامع، طبقه متوسط جدید در تحولات سیاسی نقش بسزایی داشته و در جوامعی که طبقه متوسط جدید به دلایلی ضعیف بوده، اصلاً توسعه شکل نگرفته است یا صرفاً رشد را تجربه کرده‌اند؛ درحالی‌که رشد مقوله‌ای متفاوت با توسعه و برخلاف توسعه، شکننده و نامتوازن است. بنابراین، در جوامع درحال توسعه به هر میزان طبقه متوسط جدید قدرتمندتر و گسترده‌تر شود، نقش بهتری در تأمین امنیت و آزادی، رشد شاخص‌های اقتصادی و توسعه سیاسی ایفا خواهد کرد (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۸-۲۰).

روندها و عوامل بین‌المللی مشوق توسعه

جهانی شدن به‌عنوان یکی از فراروندهای مهم حیات اجتماعی و سیاسی و تاریخی جوامع انسانی، به دلیل اثرگذاری فزاینده آن در مقیاس خرد، میانی و کلان در عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی، به یکی از موضوعات اساسی دولت‌ها و جوامع بشری تبدیل شده است. ورود به این جهان جدید، فرصت‌ها و مشکلات جدیدی را پیش روی زندگی بشر قرار داده است. پیروان مکتب نظام جهانی نیز به پیروی از والرش‌تاین، بر دوره گذار دمکراتیک همچون موجی جهانی تأکید دارند که این موج، افزایش عقلانیت در ابعاد مختلف نظام جهانی و به دنبال آن توسعه دمکراسی را در پی دارد. بنابراین، تحول دمکراتیک و گذار به شرایط دمکراتیک، ریشه در مکانیسم و ماهیت تعاملات جهانی دارد (ساعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰-۱۰۲).

از نظر کسانی همانند سمیر امین، جهانی شدن چندقطبی می‌تواند به توسعه و تکامل اجتماعی و سیاسی کمک کند و از این طریق دمکراتیزاسیون اجتماعی را رشد و گسترش خواهد بخشید و موجب کاهش انگیزه‌های تعارض و برخورد خواهد شد (امین، ۱۳۸۰: ۶۸). در زمینه پیامدهای مثبت جهانی شدن در عرصه‌های توسعه سیاسی، می‌توان به افزایش آگاهی کنشگران سیاسی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف محلی و ملی درباره حقوق

و نقش‌های اجتماعی و سیاسی‌شان اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که افزایش آگاهی‌های جهانی و بسط فرهنگ سیاسی نو، یعنی توجه بیشتر به توده‌های مردم در همه جوامع در حال توسعه و دموکراسی و مسئله حقوق بشر، آثار تعیین‌کننده و مهمی بر تغییر مناسبات قدرت در این جوامع خواهد داشت و از آنجا که مسئله توسعه‌نیافتگی اساساً مسئله‌ای مرتبط با مناسبات قدرت در این نوع جوامع است، این تغییرات بخشی از موانع توسعه و درعین حال توسعه سیاسی در این جوامع را از میان برمی‌دارد یا به نحو چشمگیری کاهش خواهد داد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۴۴).

سناریوی مطلوب آینده

خلق سناریوی مطلوب در آینده‌پژوهی، محصول چهار عامل روندها، رویدادها، تصاویر و اقدام‌هاست. بررسی پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیانگر آن است که چهار مؤلفه زیربنایی خلق آینده سیاسی مطلوب، در کشور (توسعه‌یافتگی سیاسی با بهره‌گیری از الگوی بومی) فراهم شده است. توسعه سیاسی، به‌عنوان شاخص حکمرانی، فرایندی است که محصول روندهای گذار جوامع در جهت دستیابی به شکل حکومت مطلوب بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطف روندها و رویدادهای حرکت به سوی توسعه سیاسی است؛ چراکه با تدوین قانون اساسی و پیش‌بینی شاخصه‌هایی که ذکر شدند، زمینه‌های دستیابی به توسعه، در جامعه ایران نهادینه شده است. در اسناد بالادستی نظام، مانند سند چشم‌انداز توسعه افق ۱۴۰۴ نیز بر موقعیت ایران به‌عنوان جامعه توسعه‌یافته صحه گذاشته شده، و اقدام‌های متعدد و مثبتی طی چهل سال گذشته برای دستیابی به این مهم در دولت‌های مختلف انجام شده است. می‌توان گفت همان‌گونه که ایران از پیش‌تازان مشروطه‌خواهی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام بوده است، در آینده نه‌چندان دور از اولین کشورهایی در منطقه خواهد بود که با بهره‌گیری از الگوی اسلامی و ایرانی خود، مدل و نظریه جدیدی از توسعه‌یافتگی

سیاسی ارائه خواهد داد. تحلیل و تبیین پیش‌ران‌ها و اقدامات موجود نویددهنده این امر مهم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نظریه‌ها و الگوهای تک‌خطی که برای جوامع در حال توسعه تجویز می‌شوند، به دلیل بی‌توجهی به مناسبات و بافت‌های فرهنگی و سیاسی و اقتضائات زمامداری در آن جوامع، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند نسخه‌ای کامل برای دستیابی به توسعه در این جوامع به‌شمار آیند. بهترین راهبرد برای جوامع در حال توسعه، انتخاب رویکرد و راهبردی است که هم از تجربه‌های سیاست‌ورزی سیاست‌ جهانی بهره‌مند شود و هم با انطباق با خصوصیات جامعه هدف بتواند خود را سازگار کند و جامعه را سامان دهد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند انقلاب اسلامی و گفتمان توسعه‌ای برخاسته از آن، رویکردی تأسیسی و تلفیقی از توسعه را برگزیده که در آن، از لحاظ شکلی، از ساختارهای دنیای مدرن بهره برده و از لحاظ محتوایی در پی تعریف اهداف و آرمان‌های آن برپایه جهان‌بینی خاص خود است.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ پیش‌ران شگفتی‌ساز و ظهور ابرگفتمان جدید در سپهر سیاست، چه در داخل کشور و چه در صحنه معادلات نظام بین‌الملل بود. در واقع، این پیش‌ران در بردارنده ابرگفتمانی است که با ارائه مدل خاص و متفاوت از الگوی حکمرانی، نوع معناگرایانه و کمال‌طلبانه‌ای از رشد و پیشرفت را درون خود لحاظ کرده، که نمایان شدن توسعه سیاسی یکی از شاخص‌های این ابرگفتمان است. ظرفیت‌ها و بسترهای بالقوه لازم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در گفتمان رهبران، نخبگان جامعه و قانون اساسی مکتوب جمهوری اسلامی وجود داشته و ساختار شکل‌گرفته فعلی (اعم از جمهوریت نظام، وجود پارلمان، سیستم نمایندگی و چرخش نخبگانی، تفکیک قوای نسبی، به رسمیت شناخته شدن فعالیت‌های آزادانه حزبی و مطبوعاتی، اختصاص فصل سوم قانون اساسی به حقوق و آزادی‌های ملت و رشد دیگر شاخص‌های کمی توسعه همانند گسترش آموزش عالی و

رسانه‌ها) محصول گفتمان تحول‌خواهانه انقلاب اسلامی و دولت‌های تشکیل‌شده تاکنون بوده است. وضعیت پیش‌ران‌های بررسی‌شده، بیانگر آن است که در الگوی پیشرفت ارائه‌شده و منبث از گفتمان انقلاب اسلامی، شاخص‌های توسعه سیاسی در جامعه ایرانی نهادینه شده و در پرتو وجود این ابرگفتمان هویت‌بخش و کمال‌طلبانه، بازگشت به عنصر اقتدارطلبی پاتریمونیالیستی در آینده، عملاً ممکن نخواهد بود.

کتابنامه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی گفتمان اصلاح‌طلبی»، دوماهنامه زمانه، ش ۸۱، ص ۶۳-۷۱.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، قومس.
- امین، سمیر (۱۳۸۰). امپریالیسم و جهانی شدن، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگه.
- بابی، سعید (۱۳۹۰). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- باتامور، تی. بی (۱۳۶۹). نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران، دانشگاه تهران.
- بدیع، برتران (۱۳۸۰). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر علوم نوین.
- _____ (۱۳۸۲). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر علوم نوین.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵). انتخابات: ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳). فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، یوسفون، ساسان و نظری‌نیا، مهناز (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «گفتمان انقلاب اسلامی در ادبیات توسعه؛ با تأکید بر اندیشه اجتماعی امام خمینی»، دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال سوم، ش ۵، ص ۱۴۳-۱۶۷.
- خواجeh‌سروی، غلامرضا و ابه‌جی، حمید (پاییز ۱۳۹۲). «مبانی نظری توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، فصلنامه امنیت‌پژوهی، سال دوازدهم، ش ۴۳، ص ۷-۳۴.

- دارابی، علی (زمستان ۱۳۹۴). «طبقه متوسط جدید و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، ش ۱، ص ۷-۲۰.
- دبیرخانه آینده‌نگاری ملی (۱۳۹۵). فراروندهای جهانی: نیروهای پیش‌رانی که پیروزی فراروندهای جهانی را برعهده دارند، تهران، برنامه ملی آینده‌نگاری.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران، مازیار.
- ساعی، احمد، صفرپور، مهدی و باویر، محمد (تابستان ۱۳۸۹). «فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن بر توسعه سیاسی در ایران»، فصلنامه حقوق و سیاست، ش ۱۳، ص ۷۹-۱۱۰.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شیروودی، مرتضی (تابستان ۱۳۸۸). «تمرکز و توسعه در تاریخ معاصر ایران (مقایسه دو مقطع مشروطه و انقلاب اسلامی)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۴۹-۸۳.
- سفار، محمدجواد (۱۳۸۳). حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات استادی.
- عبداللهی، محمد و راد، فیروز (بهار ۱۳۸۸). «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران (۱۳۰۴-۱۳۸۲)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۱، ص ۲۹-۶۳.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۲). «شناسایی مبانی نظری گفتمان اسلامی توسعه با محوریت آموزه‌های دینی» فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، ش ۲، تابستان، ص ۱۱۳-۱۳۲.
- عراقی، غلامرضا (تابستان ۱۳۸۶). «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در دوره پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دهم، ش ۳۸، ص ۲۱-۳۹.
- فوزی، یحیی (پاییز ۱۳۷۹). «انقلاب اسلامی و الگوی بدیع‌نوسازی»، فصلنامه متین، ش ۸، ص ۲۸-۵۲.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، سمت.
- کمالی اردکانی، علی‌اکبر (تابستان ۱۳۸۷). «امام خمینی علیه السلام و بازسازی هویت ملی در ایران»، فصلنامه حضور، ش ۴۵، ص ۷-۲۲.
- گلشنی، علیرضا، صالح اسکندری و علی جدیدی (بهار ۱۳۹۱). «نقش رسانه در توسعه سیاسی و اجتماعی با تأکید بر جامعه معناگرای ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، ش ۱، ص ۵-۲۸.
- گوردون، آدام (۱۳۹۲). فهم آینده، ترجمه طیبه واعظی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). سالنامه آماري کشور سال ۱۳۹۴، تهران، درگاه ملی آمار.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام.

نتایج سرشماری دسترسی خانوارهای ایرانی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، قابل دسترسی در:
https://mis.ito.gov.ir/result_tahlil

وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰). موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

Glossary of Futures Studies Terms (2007). Retrieved June 30, 2012, from
<http://www.audiencedialogue.net/gloss-fut.html>

Lucain, Pye & Verba Sindney (1965). "Political Culture and Political Development", *Princeton*, Princeton University Press.

